

در هنرستان کشاورزی خسروی کردستانی استان کردستان در شهر دهگلان، رشته‌های «امور زراعی، امور دامی، کشت جالبیزی و مکانیک تراکتور و تیلر» ارائه می‌شوند.

چرا هنرستانی شدیم؟

بزرگوار بودم که بتوانم در رشته کشاورزی تحصیل کنم

علاقه اولین دلیل من برای انتخاب این رشته بود. کشاورزی، کاشت و برداشت برای من جذابیت داشتند. گاهی خودم در باغچه‌خانه ریحان می‌کاشتم. فکر می‌کردم کاش آینده‌ام نیز صرف همین علاقه شود، اما مدام از اطرافیانم می‌شنیدم که همه چیز فقط علاقه نیست. این حرف تا حدودی هم درست است، اما من هم فکر می‌کردم همه چیز دکتر- مهندس شدن هم نیست. تا اینکه در گیر و دار انتخاب رشته به رشته امور زراعی برخورددم. فکر کردم من قطعاً فقط آدم همین رشته هستم. دوباره حرف‌های اطرافیان شروع شد که هنرستان آینده‌ای ندارد و... راستش کمی ترسیدم. فکر کردم نکند علاقه عقلم را از کار انداخته باشد. تحقیق کردم و از مشاور کمک گرفتم و فهمیدم بی دلیل از حرف‌های کسانی که دانشی درباره این رشته و هنرستان ندارند، ترسیده‌ام.

این رشته، بر خلاف تصور عموم، نه تنها ساده نیست، بلکه خیلی هم سخت است. شاید نه تنها این رشته، بلکه تمام رشته‌هایی که در هنرستان تدریس می‌شوند، دشواری‌های بیشتری دارند، چرا که فقط به کلاس درس و خواندن کتاب محدود نمی‌شوند. در همین رشته ما واحدهای عملی زیادی داریم که کار را سخت می‌کنند. درس‌های تخصصی ما عموماً مهارت محور و فن آموز هستند. به قولی ما در دل کار درس را یاد می‌گیریم.

آینده شغلی این رشته دقیقاً همان همان آینده متفاوت و دلخواه من است. رشته امور زراعی در واقع دو گروه شغلی دارد؛ مثلاً گروه اول مربوط به سرپرستی است؛ یعنی می‌توان سرپرست گلخانه‌ای شد و زندگی را میان سبزی و گل‌های رنگارنگ گذراند یا سرپرست نهالستانی شد و نهال‌هایی را بزرگ کرد تا بار دهند. یا اینکه سرپرست فضای سبز و پارک شد. گروه دوم با تولید مرتبط است. تولید انواع نهال میوه و میوه‌های سردسیر و گرمسیر. من به‌شخصه شغل گروه اول را بیشتر دوست دارم و امیدوارم به آن برسم.

سال دوازدهم

قبل از اینکه رشته مکانیک تراکتور را انتخاب کنم، به خاطر علاقه خودم، در کارگاه‌های تراکتور و تیلر سازی کارآموزی می‌کردم و در دوره‌های آموزشی کارگاه‌ها شرکت می‌کردم. از همان زمان مطمئن بودم می‌خواهم در هنرستان همین رشته را انتخاب کنم. کار خانوادگی ما هم در همین حوزه شغلی است و پدر من کارهای مکانیکی انجام می‌دهد. این پیشینه خانوادگی، به علاوه علاقه زیادی که به این رشته داشتم، به من کمک کرد با وجود سخت بودن درس هایمان، بتوانم به راحتی در آن‌ها موفق شوم، نمره‌های خوبی بگیرم و آینده خوبی برای خودم ترسیم کنم. رشته ما برخلاف تصور بسیاری از مردم که فکر می‌کنند رشته‌های هنرستان و کاردانش آسان است، درس‌های سخت زیادی دارد؛ مثل «نقشه‌کشی خطاها». در این درس باید معایب دستگاه‌ها را پیدا کنیم. این کار اوایل برایم چندان آسان نبود، اما حالا خوب می‌توانم آن را انجام دهم.

آینده شغلی رشته ما تقریباً روشن و امیدوارکننده است. ما هنرجویان رشته مکانیک تراکتور و تیلر می‌توانیم هم در کارخانه‌های تراکتورسازی کار کنیم و به‌عنوان نیروی کار حرفه‌ای و متخصص مشغول شویم و هم مغازه خودمان را افتتاح کنیم. علاقه من برای آینده شغلی‌ام، تأسیس مغازه خودم است. دلم می‌خواهد مغازه‌ای داشته باشم، آن را گسترش دهم و پیشرفت کنم.

رشته مکانیک تراکتور و تیلر



برای آن که فضای هنرستان و حال و هوای رشته‌های آن را بشناسیم، پای صحبت‌های خودتان می‌نشینیم. چه کسی بهتر از شما هنرجویانی که در حال حاضر مشغول تحصیل و مهارت‌آموزی در هنرستان هستید! با شناخت رشته‌ها، دوستان جوان‌ترتان هم در راهی که انتخاب کرده‌اند، ثابت قدم می‌شوند و مسیرهای شغلی رشته‌شان را بهتر می‌شناسند.

در هر شماره از مجله به سراغ يك استان و یکی از شاخه‌های هنرستانی می‌رویم و درباره آن اطلاعاتی به شما می‌دهیم. در این شماره با چهار هنرجو از هنرستان خسروی کردستانی «استان کردستان» در شاخه کشاورزی گفت‌وگو کرده‌ایم. اگر دوست دارید با دفتر مجله تماس بگیرید و هنرستان خود را معرفی کنید تا شما را هم بشناسیم و از علاقه‌هایتان در رشته‌تان بنویسیم.

مجله تخصصی امور دامی

سال دوازدهم

راستش من به این رشته علاقه چندانی نداشتم. در واقع جزو انتخاب‌های اولم نبود. پدرم به زنبورداری مشغول بود و ترجیح می‌دادم شغلی متفاوت‌تر داشته باشم. در واقع شغلی که مکمل کار پدرم باشد، نه ادامه آن. اما دست آخر در همین رشته امور دامی قبول و مشغول به تحصیل شدم. اوایل خیلی بی‌میل بودم، اما کم‌کم که جذابیت درس‌ها بیشتر شد، به آن بیشتر علاقه‌مند شدم، چرا که روحیه متناسب با این رشته را داشتم و به فضاهای کشاورزی و روستایی علاقه‌مند بودم. اما این رشته مکمل علاقه‌ام بود؛ چرا که ما را با فیزیولوژی بدن حیوانات، نحوه تولید مثلشان، پرورش و تغذیه آن‌ها آشنا می‌کرد. شاید خنده‌دار باشد، اما یک روز پدرم وقتی فعال‌بودن مرا در این رشته دید و متوجه علاقه‌ام شد، به خنده گفت: «میلاد، دیگر از من هم واردتر شده‌ای!»

حالا دیگر خودم زنبورداری هم می‌کنم. از هر چه در هنرستان یاد می‌گیرم، به‌صورت کاربردی-عملی استفاده می‌کنم. من، برعکس بسیاری از هنرجویان، با علاقه زیادی وارد این رشته نشدم. دلخوشی‌ام این بود که رشته ساده و راحتی است. راستش خیلی‌ها این حرف را زدند و در من هم همان ذهنیت شکل گرفت. اما این طور نیست. سر و کله‌زدن با این زنبورها خودش شوق القمر است، چه برسد به دیگر کارها! بخش سنگینی از درس کاملاً به‌صورت عملی عنوان می‌شود. اگر به این‌گونه فعالیت‌ها علاقه‌مند نباشید، واقعا دوام نمی‌آورید.

جدا از این‌ها، این رشته جدید است و زمینه‌های شغلی متفاوتی برای آن تعریف شده‌اند که هر کدام جذابیت خاص خود را دارند. اگر بخواهم مثال بزنم، می‌توانم بگویم مثلاً آینده این رشته می‌تواند به کارشناسی یا مدرسی زمینه‌های علوم دامی و مدیریت واحدهای تولیدی و مزرعه‌های پرورش ماهی، گاوآرداری، مرغداری و زنبورداری برسد که من خودم عاشق آخری هستم. فکرش را بکنید! مدیریت یک زنبورداری در دست آدم باشد! دیگر از دنیا چه می‌خواهد!

سال یازدهم

راستش را بخواهید من رشته‌ام را دوست ندارم، یعنی نه اینکه با خود کشت جالیزی مشکلی داشته باشم، مشکلم این است که می‌دانم آینده شغلی خوبی ندارد! حالا که مشغول تحصیل در این رشته‌ام، احساس می‌کنم اگر در رشته‌های نظری درس می‌خواندم، آینده شغلی بهتری در انتظارم بود. به همین دلیل خیلی توصیه نمی‌کنم دیگران برای خواندن این رشته ثبت‌نام کنند. ما درس‌های کارگاهی زیادی داریم که جالب هستند و برای من که در منطقه کردستان زندگی کرده‌ام و با فضای کشاورزی آشنا هستم، سختی آزاردهنده‌ای ندارد.

با تشکر از:

آقای مهدی نامدار معاون آموزش متوسطه استان کردستان و آقای علیمردیان مدیر هنرستان خسروی کردستانی